



حملات مسلحانه عليه هزاره ها در افغانستان

یادداشت: این گزارش کوتاه براساس درخواست کتبی وزارت امور خارجه افغانستان برای پاسخ به سوالات گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد تهیه شده است.

براساس معلومات جمع آوری شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از سال ۱۳۹۳ خورشیدی به این سو، هزاره های افغانستان مورد حملات مسلحانه قرار گرفته است. در طول سال ۱۳۹۵ خورشیدی این حملات علیه آنها شدت یافت و در اثر حملات متعدد مسلحانه و حملات انتحاری تلفات زیادی بر جای گذاشت. براساس بررسی های کمیسیون هدف اصلی این حملات یک گروه خاص قومی و مذهبی یعنی هزاره های شیعه بوده است. چنانچه که گروه دولت اسلامی (داعش) با نشر اعلامیه های مطبوعاتی مسوولیت برخی از این قضایا را به عهده گرفت. اما مسوولیت بعضی از این قضایا را تا اکنون هیچ گروهی به عهده نگرفته است.

براساس ماده هشتم اساسنامه رُم، گروگان گیری، انجام حملات عمدی بر ضد غیر نظامیان با قصد حمله علیه آنها از موارد جدی نقض کنوانسیون های چهارگانه جنوا مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی آن، بوده و از زمره جنایات جنگی محسوب می شود. حملات عمدی علیه غیر نظامیان از موارد نقض جدی حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر است.

در طول سه سال گذشته (از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ خورشیدی) در مجموع ۱۹۴ تن از هزاره ها که همه آنها ملکی بودند در اثر حملات متعدد کشته شدند و به تعداد ۴۷۹ تن دیگر مجروح شدند. گفتنی است که در طول سه سال گذشته در چندین مورد به تعداد ۶۲ تن از هزاره ها به گروگان گرفته شدند که بعضی از آنها به طور فجیع و وحشیانه به قتل رسیدند. قابل یادآوری است که برخی از موارد دیگر گروگان گیری به طور انفرادی و یا گروههای کوچک نیز در طول سه سال گذشته رخ داد که اغلبا از چشم رسانه ها به دور مانده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در قبال این حملات با نشر اعلامیه های مطبوعاتی متعددی، ابراز نگرانی نمود و از دولت افغانستان خواست تا جلو افراطگرایی اسلامی را با اتخاذ تدابیر لازم بگیرد و در تامین امنیت شهروندان بیشتر از پیش بکوشد. هم چنین کمیسیون از طریق نشر اعلامیه های مطبوعاتی اعلام داشت که هدف قرار دادن عمدی افراد ملکی از زمره جنایت جنگی محسوب شده و عاملان آن باید مورد پیگرد عدلی قرار بگیرند. اما متأسفانه تا حال اکثریت عاملان این قضایا مورد تعقیب عدلی قرار نگرفته است.

دولتمردان افغانستان و شهروندان افغانستان با هوشیاری با قضایای کشتار هزاره ها برخورد نمودند و نگذاشتند که تفرقه قومی و مذهبی گسترش یابد. نهادهای حامی حقوق بشر، خانواده قربانیان و نهادهای امنیتی اعلام داشتند که عاملان چنین قضایا دشمنان افغانستان بوده و هدف از حملات علیه

هزاره ها ایجاد تفرقه قومی و مذهبی می باشد. رهبران حکومت وحدت ملی نیز اعلام کردند که مردم خونسردی خود را حفظ نموده و نگذارند که افراطیون مذهبی به هدف شان برسند.

حکومت وحدت ملی برای تامین امنیت مراسم های مذهبی شیعیان و سنی ها و سایر فرقه های مذهبی تلاش نموده است؛ اما این تدابیر و تلاشها سبب جلوگیری از حمله علیه آنها نشده است. قابل ذکر است که قبل از فرارسیدن مراسم مذهبی شیعیان، جلسات هماهنگی میان شهروندان شیعه و دولت افغانستان به منظور تامین امنیت و ایجاد نظم، برگزار می شود. مکانیزم های هر چند ضعیف نیز وجود دارد که فرقه های مختلف مذهبی را باهم نزدیک می سازد.

خلاصه قضایای سال ۱۳۹۵

در طول سال ۱۳۹۵ خورشیدی حملات علیه هزاره های شیعه نسبت به سال قبل افزایش یافت. در این سال پنج حمله بزرگ علیه هزاره ها صورت گرفت که در مجموع در سال ۱۳۹۵ خورشیدی به تعداد ۱۵۶ تن که همه آنها افراد ملکی بودند، کشته شدند و ۴۷۹ تن دیگر از افراد ملکی مجروح شدند. جزییات این قضایا به طور جداگانه مختصرا شرح داده می شود:

۱. قضیه دهمزنگ:

به تاریخ ۲ اسد ۱۳۹۵ خورشیدی هزاران نفر از شهروندان کابل که اغلبا هزاره بودند، در واکنش به تغییر مسیر برق وارداتی از مسیر مناطق مرکزی به مسیر کوتل سالنگ، دست به تظاهرات مسالمت آمیز زدند. مظاهره کنندگان در چارراهی دهمزنگ در حالی که تجمع کرده بودند، حوالی ساعت ۳ بجه بعداز ظهر مورد حمله انتحاری قرار گرفتند. در نتیجه این حملات ۸۴ تن کشته شدند و ۲۸۳ تن دیگر مجروح شدند. بلافاصله گروه داعش مسوولیت این حمله را به عهده گرفت و اظهار نمود که شیعیان افغانستان یکی از اهداف نظامی شان است.

قابل ذکر است که جنبش روشنایی که سازماندهی این تظاهرات را به عهده داشت، نیروهای امنیتی افغانستان را در عدم تامین امنیت سرزنش کردند. بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز بیانگر این است که اکثریت نیروهای امنیتی برای تامین امنیت مرکز شهر و ادارات مهم دولتی آمادگی گرفته بودند و در قسمت تامین امنیت مظاهره کنندگان تدابیر کافی اتخاذ نکرده بودند. از نظر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان غفلت نیروهای امنیتی در تامین امنیت این تظاهرات غیر قابل قبول بوده است.

۲. قضیه کارته سخی:

به تاریخ ۲۰ میزان ۱۳۹۵ خورشیدی حوالی ساعت ۷ شام مصادف با شام عاشورا در زیارت کارته سخی، عزاداران شیعه مورد فرد مسلح با استفاده از لباس پولیس وارد محوطه زیارت سخی شده و افراد حاضر در محل را مورد حمله مسلحانه قرار داد. در این حمله یک پولیس و ۱۸ فرد ملکی به شمول ۳ زن و یک طفل کشته شدند و ۵۸ تن از مردم ملکی به شمول ۲۶ تن از زنان و ۴ طفل مجروح شدند. پس از واقعه، گروه دولت اسلامی داعش شاخه خراسان مسوولیت این حمله را به عهده گرفت. دولت افغانستان نیز با نشر اعلامیه ای این حمله را محکوم کرد و عاملان آن را دشمنان صلح و ثبات افغانستان نامید.

۳. قضیه ولسوالی بلخ:

روز عاشورا به تاریخ ۲۱ میزان ۱۳۹۵ خورشیدی در ولسوالی بلخ ولایت بلخ زمانی که دسته ای از عزاداران شیعه از داخل شهر می گذشتند، مواد انفجاری که در کنار سرک جابجا شده بود، انفجار کرد که در این حادثه ۱۴ تن که همه آنها افراد ملکی بودند کشته شدند و ۷۰ تن

دیگر زخمی گردیدند. مسوولیت این حمله را هیچ گروهی به عهده نگرفت. اما مسوولین دولتی این حمله را به دشمنان مردم افغانستان نسبت دادند.

۴. قضیه مسجد باقرالعلوم:

به تاریخ اول قوس ۱۳۹۵ خورشیدی مصادف با روز چهلم شهادت امام حسین، یکی از امامان شیعه، مراسم عزاداری در مسجد باقرالعلوم واقع در جاده کاتب، شهر کابل برپا شده بود. ساعت ۱۲:۱۰ بعد از ظهر در هنگامی که مردم به خاطر صرف غذای چاشت جمع بودند، در میان جمعیت یک شخص خود را انفجار داد که در نتیجه ۳۲ تن از افراد ملکی به شمول ۸ طفل کشته شده و ۶۴ تن دیگر زخمی شدند. گفتنی است که پس از این حادثه، نیروهای امنیتی به دلیل عدم تامین امنیت این مراسم مذهبی به شدت مورد انتقاد قرار گرفتند. گروه داعش مسوولیت این حمله را به عهده گرفت و از طریق نشر یک اعلامیه اظهار داشتند که حمله توسط یکی از جنگجویان داعش انجام شده است.

پس از حمله انتحاری در مسجد باقرالعلوم، معاون دوم ریاست جمهوری از کوتاهی نیروهای امنیتی در تامین امنیت این مسجد انتقاد کرد. وی گفت نهادهای امنیتی موظف هستند که امنیت محل کار خود را و مخصوصاً امنیت مراسم، گردهمایی ها، مراسم دینی و مذهبی مردم را تامین کنند. او اظهار کرد که وقوع چنین رویدادها و حضور ضعیف نیروهای امنیتی در محل مراسم در مسجد باقرالعلوم نشانه آشکار از کوتاهی هایی است که باید مورد بررسی قرار گیرد و به سوالات مردم پاسخ داده شود.

وزارت امور داخله نیز پس از این حادثه تروریستی با نشر اعلامیه ای وظایف ۴ نفر از مسوولان حوزه ششم امنیتی کابل را به حالت تعلیق درآورد. در این اعلامیه گفته شد که هیاتی برای بررسی چگونگی وقوع این حمله انتحاری تعیین شده است. گفتنی است که تا اکنون نتایج بررسی های این هیات برای مردم نشر نشده است.

۵. قضیه ولسوالی تاله و برفک:

در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به روز ۱۷ جدی ۱۳۹۵ خورشیدی یک گروه ۱۶ نفری از کارگران معدن می خواستند توسط یک موتر فلانکوچ به طرف ولایت بامیان بروند. همه این کارگران هزاره و از ولایت دایکندی بودند. موتر حامل این کارگران که برای مرخصی به خانه های شان در دایکندی می رفتند، در مسیر راه در ساحه پل شیر منطقه انار دره، توسط سه تن از افراد مسلح موتر سایکل سوار متوقف شد. حمله کنندگان مسلح صورت شان را پوشانده بودند. براساس اظهارات یکی از مجروحان این واقعه، طالبان در اولین حمله، راننده موتر را کشتند. سپس، تمامی مسافران را از موتر پایین کردند. یکی از مجروحان گفت که یکی از آنها فرمان داد که در کنار دریا به صف ایستاد شویم. یکی از حمله کنندگان گفت که شما شیعه هستید و شیعیان مسلمان نیستند. با وجودی که مسافران کلمه شهادت را خواندند و گفتند که مسلمان هستند، مورد رگبار قرار گرفتند. در نتیجه این حمله همه آنها در داخل آب افتادند که در نهایت ۷ تن از سرنشینان کشته شدند و ۴ تن آنها زخمی شدند و ۵ تن دیگر موفق به فرار شدند. گفتنی است که مسوولیت این حمله را تا اکنون هیچ گروهی به عهده نگرفته است.

براساس تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و اظهارات مجروحین این حادثه و مردم محل، این حمله توسط طالبان محلی انجام یافته است. مردم محل به ناظرین کمیسیون گفتند که اگر طالبان در این کشتار دست نمی داشت، هیچ کسی جرات انجام چنین واقعه را ندارد زیرا که در اکثریت مناطق ولسوالی تاله و برفک طالبان حضور قوی دارند. برخی از مردم محل که نخواست نام شان فاش شود، به کمیسیون گفت که عاملان این کشتار قاری معراج، قاری قدرت الله و قاری موسی ولسوال نام نهاد طالبان در ولسوالی تاله و برفک و از

قوماندانهای طالبان در این ولسوالی هستند. گفتنی است که عاملان این حمله هنوز از سوی نیروهای امنیتی افغانستان مورد شناسایی و پیگرد عدلی قرار نگرفته اند.

۶. قضیه سرپل:

به تاریخ ۱۲ جوزای ۱۳۹۵ خورشیدی، ۱۷ تن از هزاره های این ولایت توسط اشخاص ناشناس به گروگان گرفته شدند. مقامات محلی ادعا کردند که مخالفین مسلح دولت عامل این گروگان گیری است. هرچند پس از مدتی همه آنها رها شدند، اما گروگان گیری هزاره ها در افغانستان، حق آزادی گشت و گذار و امنیت آنها را محدود نموده است.

۷. قضیه ولایت غور:

به روز ۱۱ سنبله ۱۳۹۵ خورشیدی طالبان در ولسوالی دولت آباد ولایت غور، ۵ تن از دانشجویان مربوط به قوم هزاره را از موتر پایین کردند و با خود بردند. سپس یکی از آنها را به طور فجیع به قتل رساندند و ۴ تن دیگر را پس از چهار هفته آزاد کردند.

خلاصه قضایای سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳

در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳ خورشیدی نیز علیه هزاره ها در افغانستان حملات مسلحانه ای انجام شد که منجر به کشته شدن و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد گردید. این حملات گاهی با اعتراضات شدیدی نیز مواجه شد. در سال ۱۳۹۴ خورشیدی تعدادی از هزاره ها به گروگان نیز گرفته شدند. قابل یادآوری است که در طول سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در چندین مورد گروگان گیری، تعداد زیادی از افراد به شکل انفرادی و یا به گروههای کوچک گروگان گرفته شدند. تعدادی از آنها پس از مدتی رها شدند و تعدادی هم کشته شدند. شرح مختصر برخی از قضایا قرار ذیل است:

۱. قضیه ولسوالی زارع:

به تاریخ ۱۴ سنبله ۱۳۹۴ خورشیدی در ولسوالی زارع ولایت بلخ سیزده تن از هزاره ها در مسیر راه ولسوالی زارع مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و کشته شدند. افراد مسلح آنها را از موتر شان پایین کردند و بعد به رگبار بستند. گفتنی است که مسوولیت این حمله را هیچ گروهی به عهده نگرفت؛ اما دولت افغانستان این حمله را به دشمنان صلح و ثبات نسبت دادند. قابل یادآوری است که گروه طالبان نیز این حمله را توطیه دشمن خواند و آنرا محکوم کرد و در بیانیه شان اظهار کردند که این حمله برای آن انجام شد تا تضاد نژادی، عدم تحمل و تبعیض را به وجود آورند.

۲. قضیه گروگان گیری در زابل:

در روز چهارم حوت ۱۳۹۳ خورشیدی، ۳۱ تن از هزاره های شیعه زمانی که از هرات به سوی کابل سفر می کردند، در ولایت زابل از سوی افراد مسلح به گروگان گرفته شدند. ۱۹ تن از آنها در اواخر ماه ثور ۱۳۹۴ خورشیدی آزاد شدند. پس از گذشت چندین ماه، هشت تن دیگر نیز در نتیجه یک عملیات آزاد شدند ولی از سرنوشت ۴ تن دیگر خبری در دست نبود تا اینکه گروگانهای آزاد شده از کشته شدن آنها خبر دادند.

۳. قضیه سربردن گروگانها در زابل:

روز ۲۱ میزان ۱۳۹۴ خورشیدی، افراد مسلح ۹ مسافر غیر نظامی را در ولسوالی جاغوری ربودند که شامل دو زن، یک طفل ۸ ساله و ۴ مرد می شدند. این مسافران به سمت شهر غزنی در حرکت بودند که از سوی افراد مسلح از موتر شان پایین شده و به محل نامعلومی برده

شدند. کمی بعدتر دو نفر از مسافران به شمول یک زن و یک پیر مرد رها شدند. پس از مدتی معلوم شد که جنگجویان ازبکستانی، گروگان ها را در ولسوالی خاک افغان انتقال دادند. پس از انتقادات و اعتراضهای مدنی، حکومت افغانستان علیه شورشیان خاک افغان دست به عملیات زد تا اینکه پس از دو روز درگیری، به تاریخ ۱۷ عقرب ۱۳۹۴ خورشیدی ۷ تن از گروگانها به شمول یک طفل ۸ ساله و دو زن سالخورده توسط افراد داعش به طور فجیع سر بریده شدند. به گفته مسولان دولتی عاملان این حادثه جنگجویان ازبکستانی وابسته به گروه داعش هستند.

سربریده شدن هفت تن از گروگان های هزاره موجی از واکنش ها را در سطح ملی و بین المللی برانگیخت و اکثریت سازمان های ملی و بین المللی حقوق بشر و جامعه مدنی این عمل را محکوم کرد. خانواده قربانیان، اجساد کشته شدگان را به کابل حمل کردند و صدها هزار شهروندان کابل دست به تظاهرات زدند. مظاهره کنندگان دولت افغانستان را متهم به بی تفاوتی در برابر این گروگان گیری کردند و در برابر بی تفاوتی دولت افغانستان خشم خود را ابراز کردند.

گفتنی است که نیروهای امنیتی و دفتر ریاست جمهوری ادعا کردند که چندین بار برای رهایی گروگان ها عملیات نظامی انجام دادند اما موفق به رهایی آنها نشدند. براساس اظهارات نیروهای امنیتی کشور پنج تن از گروگانهای که زنده مانده بودند در اثر یک عملیات نظامی رها شدند و به خانه های شان برگشتند. اما برخی از رها شدگان بعدا به رسانه ها گفتند که آنها توسط طالبان رها شدند نه دولت.

۴. قضیه ولایت غور:

در شب دوم اسد ۱۳۹۳ خورشیدی، گروه مسلح ناشناس سه موتر مسافران که از غور به سمت کابل حرکت می کرد، متوقف کردند و صرفا هزاره های شیعه را از موترهای شان پایین کردند. این افراد مسلح، ۱۴ تن از هزاره ها را تیرباران کردند که در میان آنها مردان و زنان سالخورده و کودکان نیز شامل بودند. در میان آنها یک تازه داما و تازه عروس نیز شامل بودند. مسولیت این حمله را هیچ گروهی به دوش نگرفت؛ اما قوماندان امنیه ولایت غور طالبان را عامل این حمله دانست.

رسانه ها به تاریخ ۲۹ میزان ۱۳۹۳ خورشیدی گزارش دادند که قاری رحمت الله فرمانده عمومی طالبان در ولایت غور و متهم اصلی کشتار هزاره ها در این ولایت بازداشت شده است. بعضی از تحقیقات نشان می دهد که قاری رحمت الله و افرادش قبلا به داعش پیوسته بودند.

پایان.